

سایه بی‌آبی بر سر پرآب‌ترین استان کشور

استان چهارمحال و بختیاری با مساحتی برابر با یک درصد از کل کشور، 10 درصد از منابع آب کشور را در اختیار دارد. ریزش‌های جوی و برف و باران درکوه‌های این استان منشأ رودخانه‌های دائم جنوب غربی و مرکزی ایران یعنی کارون و زاینده‌رود است.



جام جم آنلاین: استان چهارمحال و بختیاری با مساحتی برابر با یک درصد از کل کشور، 10 درصد از منابع آب کشور را در اختیار دارد. ریزش‌های جوی و برف و باران درکوه‌های این استان منشأ رودخانه‌های دائم جنوب غربی و مرکزی ایران یعنی کارون و زاینده‌رود است.

در این استان چشمه‌های مختلفی نیز وجود دارد که می‌توان به چشمه‌های دیمه، کوه‌رنگ، برم، مولا و سرداب و سیاسرد اشاره کرد. آبشارهای دیدنی این استان نشانگر موقعیت مهم منابع آبی این استان است. جنگل‌های بلوط نیز از دیگر جاذبه‌های زیست‌محیطی این استان است که می‌توان از آن یاد کرد.

با این حال این استان نیز همچون سایر نقاط کشور دستخوش مسائل زیست‌محیطی گوناگونی است. از سویی خشکسالی، منابع آبی این استان را تهدید می‌کند و پربارش‌ترین استان کشور را به رده یازدهم کم‌بارش‌ترین استان‌ها رسانده است و از سویی دیگر طرح‌های گوناگون انتقال آب، تهدیدات مختلفی را علیه محیط‌زیست استان بسیج کرده است.

تالاب بین‌المللی چغاخور با چشم‌انداز بدیع پرواز پرندگان بومی و مهاجر را از سویی یک تونل انتقال آب در معرض تهدید قرار داده است و از سویی دیگر با افزایش ارتفاع آب در آن، دیگر تعریف تالابی را از دست خواهد داد. تالاب گندمان نیز به دلیل سدی که روی تالاب چغاخور احداث شده رو به خشکی نهاده است و سودجویان مشغول برداشت علوفه و چرای دام در این تالابند.

تهدید مهم دیگر طرح انتقال آب بهشت‌آباد است. طرح بهشت‌آباد عنوانی است که برای انتقال آب از سرشاخه‌های رود کارون به اصفهان به کار برده می‌شود. این طرح بزرگ احداث تونلی 65 کیلومتری است که با ظرفیت انتقال سالانه یک میلیارد و صد میلیون مترمکعب، آب را به فلات مرکزی ایران منتقل می‌کند. سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور سال ۱۳۸۶، مرکز پژوهش‌های مجلس سال ۱۳۸۷ و سازمان مدیریت منابع آب ایران به عنوان متولی آب کشور تیر امسال به این طرح، اشکالات فراوانی گرفتند و آن را تأیید نکردند. کارشناسان معتقدند که در این طرح به مصارف حوضه‌های پایین دست توجهی نشده است. این در حالی است که بسیاری از مناطق استان خوزستان از کم‌آبی رنج می‌برند. هدف این طرح تامین آب شرب اصفهان و جلوگیری از خشک شدن زاینده‌رود است و این در حالی است که عوامل زیادی در خشک شدن زاینده‌رود در منطقه پایین دست لنجان و مبارکه و محل شهر اصفهان موثر است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز فروردین ۱۳۸۷، در شماره مسلسل ۸۹۳۵ گزارشی تحت عنوان «انتقال آب بین حوضه‌ای بهشت‌آباد، به فلات مرکزی» منتشر کرد. در این گزارش محورهای اصلی شامل انتقال آب حوضه‌ای در گستره جهانی، معیارهای ارزیابی در طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای، انتقال آب بین حوضه‌ای در ایران، تحلیل اجمالی انتقال آب بهشت‌آباد به زاینده‌رود، چالش‌های انتقال آب حوضه به حوضه، ضرورت‌ها و توصیه‌ها و سوال‌های مطرح در مورد طرح بهشت‌آباد، مطالب بسیار مهم و ارزشمندی ارائه شد.

کارشناسان آب تأکید می‌کنند که آمار آورد رودخانه کارون که در این طرح مورد استفاده قرار گرفته تنها مربوط به دوران ترسالی بوده، بنابراین قابل اتکا نیست. همچنین با توجه به بستر آهکی و کارستی استان چهارمحال و بختیاری، احداث تونل زیر سفره‌های زیرزمینی و با شیب منفی عملاً آب منطقه را زهکش خواهد کرد. این در حالی است که در استان چهارمحال و بختیاری در چهار سال اخیر بارش‌ها 54 درصد نسبت به میانگین بلندمدت کاهش یافته و 80 درصد نوع بارش هم از برف به باران تغییر پیدا کرده است.

مدیرکل محیط‌زیست استان چهارمحال و بختیاری نیز مشکل بی‌آبی این استان را تأیید می‌کند. به گفته او در کوه‌رنگ به 70 روستا با تانکر آبرسانی می‌شود و آب در 10 شهر استان نیز جیره‌بندی شده است. عملاً همه برداشت‌ها از سفره‌های آب زیرزمینی است و در بخشی از دشت‌های استان فرونشست زمین به دو تا سه متر رسیده است.

سعید یوسف‌پور تأکید می‌کند: «171#& در خان میرزا، هم نشست زمین و هم کاهش آب زیرزمینی را شاهدیم. رسیدن به گنبدهای نمکی باعث شده آب، شور شده و EC آن از استانداردها فراتر برود. همه اینها یعنی که منابع آبی وجود دارد، اما برای مردم استان عملاً

او مشکل دیگر استان را مساله تشكيل كانون هاي گرد و غبار مي داند: «الان در استان، 12 كانون گرد و غبار شكل گرفته كه سه تاي آن كانون هاي اصلي است. يكي مرغزار شهر كرد كه پايين شهر كراست، جايي كه الان فرودگاه قرار دارد و به دليل تغيير کاربري هاي نامناسبي كه در اراضي ايجاد شده بود مثل كشاورزي و احداث فرودگاه و زهكش چاه هاي آب كشاورزي، الان به كانون گرد و غبار تبديل شده است. البته اتفاق خوبي كه مي افتد، اما خيلي دير است اصلاح آبياري است كه از غرقابي به باراني و قطره اي تبديل مي شود. با اين حال در اين چند سال برداشت آب بوده، اما جايگزين نبوده است. تالاب گندمان هم به دليل خشكسالي و عرصه زيادي كه دارد يكي از كانون هاي گرد و غبار شده است. در خان ميرزا نيز تالابي بوده به نام تالاب ده صحرا كه سي سال پيش با اين نيت خير كه آنجا كشاورزي ايجاد بشود اين تالاب را زهكش كردند و كامل خشك شده است. با خشك شدن اين تالاب، سفره آب زيرزميني متاثر شده و آنجا هم به يك كانون مولد گرد و غبار در استان تبديل شده است. بيشتري چالشي كه در حوزه كم آبي داريم در همين دشت خان ميرزاست. بيشتري چاه كشاورزي و برداشت آنجاست، اما رودخانه اي در اين دشت وجود ندارد. يعني ورودي صفر و برداشت زياد است. تازه اين دشت يكي از 11 دشت ممنوع ماست.»

يوسف پور معتقد است كه در زمينه آگاهي مردم، تغييرات خوبي انجام شده است: «حتي در عشاير هم اين دانش ايجاد شده كه ديگر منابع آب برگشت پذير نيست كه فكر كنيم با باران سال بعد برمي گردد. چون وقتي زمين نشست مي كند اين خلل و فرج پرمي شود و ديگر سفره آب بر نمي گردد. مردم ديگر اينها را مي دانند، اما جايي كه بحث معيشت و زنده ماندن در ميان است مسائل، تداخل پيدا خواهد كرد. اين درست نيست كه ما بگويم مردم كار بد مي كنند كه از منابع چوبي جنگل ها برداشت مي كنند، وقتي براي زنده ماندن و پخت و پز و گرمایش ناچار باشند، اگر بخواهيم از اين مساله جلوگيري كنيم بايد سوخت در اختيارشان قرار بدهيم يعني يا گازرساني كنيم يا سوخت در اختيارشان باشد تا به سمت منابع جنگلي نروند.»

با اين حال با تلاش هاي سازمان محيط زيست اتفاقات خوبي نيز در جريان است. به گفته يوسف پور در حوزه كاهش آلاينده سال گذشته هم در كل كشور و هم در استان چهارمحال و بختياري 20 درصد صنايع آلاينده كاهش يافته است. البته اين به معنای تعطيلي صنايع نيست، بلكه فيلترگذاري احداث تصفيه خانه و مانند آن انجام پذيرفته است. ميزان كاهشي كه براي سال پيش رو برنامه ريزي شده نيز كاهش 50 درصدي صنايع آلاينده است. پايش آنلاين كه اغلب صنايع زير باران نمي روند نيز اتفاق خوب ديگري است كه در حوزه محيط زيست افتاده است. يوسف پور استانداردهاي سوخت و ممنوعيت سخت گيرانه آزيست را نيز اتفاق خوشايند محيط زيستي ديگري مي داند كه به همه استان ها نيز تكليف شده است.

وي اخبار خوشايند ديگري نيز در حوزه محيط زيست استان چهارمحال و بختياري دارد: «سال گذشته ما نزديك به 9 برابر سال قبل از آن در حوزه پرسنلي آموزش داشتيم كه شامل آموزش اطفائي حريق و قانون حمل و به كارگيري سلاح بوده است. در اين مورد با قضات دادگستري هم كلاس هاي ثابتي داشته ايم. بحث آشنائي با طبيعت و گونه هاي حيات وحش را نيز شروع كرديم، چرا كه يك محيط بان در عرصه اي كه هست چيزهايي را بايد بداند. البته بحث محيطياري هم بوده كه تا حدي به دليل محدوديت هاي اعتباري نتوانستيم به اهدافمان دست پيدا كنيم. سال گذشته ما رتبه خوبي را در حوزه عملکرد استان گرفتيم. ارتقاي پوشش بي سيم در استان يك موفقيت بود كه براي پوشش 95 درصدي برنامه داريم و با وجود مشكلاتي كه بر سر تهيه تجهيزات بي سيم ثابت و سيار هست توانستيم 65 درصد استان را تحت پوشش شبكه جديد قرار بدهيم. پاسگاه محيط باني معدنمان بر اثر زلزله تخریب شده بود كه الان در حال بازسازي هستيم.»

در حوزه بودجه هم ما سال گذشته 37 درصد رشد داشتيم كه بيشتري صرف پرداخت هاي پرسنلي شد هرچند گوشه اي از زحمات محيط بان ها را هم جبران نمي كند، اما مثلاً در جيره غذايي سعي كرديم آنچه حقشان است، پرداخت شود. در حوزه خشكسالي هم چيزي حدود 200 ميليون تومان هزينه كرديم و كارهايي مثل لايروبي قنوات و ساخت آبشخور انجام داديم و هنوز هم در دست انجام است. خريد مواردی مثل پمپ هاي اطفائي حريق كه پشت ماشين قرار مي گيرد نيز كار خوب ديگري بود كه در اين دو سال انجام شد. نتيجه هم اين بود كه مثلاً تالاب گندمان براي نخستين بار در دو سال گذشته آتش سوزي نداشت كه البته بخشي از آن هم به خاطر زحمت محيط بان ها بود. موارد ديگري هم بود ضمن اين كه الان خود مردم هم بخصوص در شهر گندمان و روستاهاي اطرافش دغدغه زيادي نسبت به تالاب دارند.»

مدير كل محيط زيست استان چهارمحال و بختياري پايان سخنان را به نهادهاي مردمی محيط زيست اختصاص مي دهد. يوسف پور تأكيد مي كند: «جاهايي بايد ما تصدي را به بخش خصوصي بسپاريم. بويژه تشكلهای غيردولتي كه خودشان دغدغه محيط زيست دارند و بدون هيچ انتظاري وارد عرصه شده اند. ما بايد طبق اصل 44 بخشي از تصدي را واگذار كنيم و به نظر من هم بهترين افراد مي توانند همين تشكلهای باشند، چه در حوزه محيط زيست و چه در موارد ديگر. من حتي معتقدم اگر بشود بايد مثل برخي كشورهاي ديگر در مديريت بهره برداري پايدار، استفاده از طبيعت و طبيعت گردي، مديريت موزه ها و مانند اين امور، سازمان هاي مردم نهاد اولويت اول باشد. ضمن اين كه من تأكيد مي كنم ما به سازمان هاي مردم نهاد حداقل كمك را مي كنيم. اگر قرار

است در حوزه آموزش، مشارکت مردمی اتفاق بیفتد به نظر من صف اول، سازمان‌های مردم‌نهاد است. اگر بتوانیم به آنها کمک مالی بکنیم و آموزش لازم را به آنها بدهیم، خیلی از سنگینی که روی دوش ماست برداشته می‌شود.»

مسعود بُرُبر / جام‌جم